

## بنگلادش: رشد اقتصادی توام با فقر

بنگلادش به عنوان یک کشور مستقل تاریخ درازدانی ندارد. در حال حاضر، ۲۰۲۲ دومین اقتصاد منطقه آسیای جنوب شرقی است. بنگلادش هم در منطقه تجارت آزاد جنوب آسیا عضویت دارد و هم عضو سازمان تجارت جهانی است. در سالهای اخیر میزان رشد اقتصادی در این کشور از کشورهای مشابه به مراتب بیشتر بوده است. در فاصله ۱۹۴۷-۱۹۷۱ که بنگلادش، پاکستان شرقی نامیده می شد، بین ۵۰ تا ۷۰ درصد صادرات پاکستان را تولید می کرد ولی اقتصادی که امروزه داریم بخش عمده اش پی آمد اصلاحات اقتصادی بازاربنیانی است که در اواخر سالهای ۱۹۷۰ در این کشور آغاز شد. از سالهای ۱۹۹۰ صنایع نساجی به صورت یک بخش پیش رو در این اقتصاد در می آید ولی یکی از منابع عمده درآمد ارزی بنگلادش در این سالها هنوز ارزی است که کارگران بنگلادشی از اقصی نقاط جهان به بنگلادش می فرستند. با وجود اصلاحات بازاربنیان ولی دولت هم چنان به بخش کشاورزی یارانه می پردازد. حتی در سالهای اخیر که رکود ناشی از کرونا از رشد اقتصادی بسیاری از کشورها کاست ولی بنگلادش رشد اقتصادی قابل توجهی داشت یکی از مشکلات این کشور این است که مالیات سهم ناچیزی در تامین درآمدهای دولتی دارد و میزانش را ۷/۷ درصد تولید ناخالص داخلی برآورد می کنند. از سوی دیگر، بخش بانکداری هم با مشکلات ساختاری روبروست و مقدار قابل توجهی وامهای معوقه دارد. اگرچه دولت هم چنان به بخش کشاورزی یارانه می پردازد ولی حدوداً ۸۹٪ اقتصاد بنگلادش در بخش خصوصی قرار دارد. در سالهای اولیه جداشدن از پاکستان و استقلال سیاسی و اقتصادی بنگلادش برای ۵ سال یک استراتژی شدیداً مداخله گر اقتصاد دولتی داشت. دولت علاوه بر بانکها، شرکت های بیمه و نزدیک به ۶۰۰ کارخانه را ملی کرد. کمپانی های خصوصی با محدودیت های زیادی روبرو بودند و بر آنها نظارت سختی اعمال می شد. این سالهایی است که مجیب رحمان و حزب عوامی لیگ در حکومت بودند. به اشاره می گذرم که بسیاری از واحدهای دولتی شده در واقع واحدهائی بودند که در مالکیت کسانی بودند که در طول جنگ داخلی آن ها را رها کرده و به پاکستان غربی بازگشته بودند. البته میزان مالکیت خصوصی بر زمین را محدود کردند و اگر از میزان مشخصی بیشتر می شد، مالکان آن زمین ها باید به دولت مالیات می پرداختند. دهقانان موظف بودند تولیدات کشاورزی خود را به بهائی که دولت تعیین می کرد به دولت بفروشند. سرمایه گذاری خارجی بسیار محدود بود و گذشته از تنگناهای ساختاری اقتصاد، مداخلات گسترده دولت در اقتصاد هم کارساز نشد و در حوزه های زیادی کمبود وجود داشت. نرخ متوسط تورم هم در اقتصاد بسیار بالا بود ولی از ۱۹۷۵ جهت گیری سیاست پردازی اقتصادی تغییر کرد. خصوصی سازی واحدهای دولتی در دستور کار دولت قرار گرفت. البته در اگوست ۱۹۷۵ رئیس جمهور مجیب رحمان و بخش عمده ای از فامیلان و نزدیکان او در یک

کودتا که علیه دولت او انجام گرفت به قتل رسیدند. از جزئیات سیاست پردازی می گذرم ولی گفته می شود که نتیجه تغییر سیاست ها و اصلاحاتی که انجام گرفت علاوه بر تشدید رشد اقتصادی، کاهش چشمگیر میزان فقر در بنگلادش بود. گفته می شود که میزان فقر که در سال ۱۹۷۱ بیش از ۸۰ درصد بود به ۴۴/۲٪ در ۱۹۹۱ و ۱۲/۹ درصد در ۲۰۲۱ کاهش یافت.<sup>۱</sup> اگرچه پس از استقلال دولت بنگلادش از سیاست مداخله گسترده در اقتصاد حمایت کرد ولی پس از مدت کوتاهی فرایند تغییر در سیاست ها آغاز شد و در ۱۹۷۳ دولت اولین برنامه ۵ ساله توسعه اقتصادی را شروع کرد، و در برنامه های ۵ ساله بعدی روند این تغییرات شدت گرفت و حتی در ۱۹۷۹ برنامه کلی ملی کردن عملاً به کنار گذاشته شد و به جایش سیاستی در پیش گرفتند که باعث افزایش بهره وری کار و کارآئی در واحدهای اقتصادی بشود.<sup>۲</sup> شواهد آماری موجود نشان می دهد که از ۱۹۹۰ به بعد، اقتصاد بنگلادش از نرخ رشد قابل توجهی برخوردار بوده است و به غیر از یک یا دو استثناء در هیچ سالی از ۵ درصد کمتر نبوده است. بیشترین میزان رشد در ۲۰۱۹ اتفاق افتاد که نرخ رشد اقتصادی در بنگلادش ۸/۲ درصد بود حتی در طول و پس از بحران بزرگ مالی سال ۲۰۰۸ نرخ رشد اقتصادی بنگلادش در سطح قابل قبولی باقی ماند و گرفتار رکود و رشد منفی نشد. حال این که در سالی که بحران بزرگ جهانی اتفاق می افتد نرخ رشد اقتصادی بنگلادش ۶ درصد بود و سال بعد، یعنی در ۲۰۰۹ که اغلب اقتصادهای جهان نرخ رشد منفی را تجربه کرده بودند ولی اقتصاد بنگلادش حتی در این سال هم ۵٪ رشد داشت. در این یادداشت، سعی می کنم به چند پرسش پاسخ بدهم.

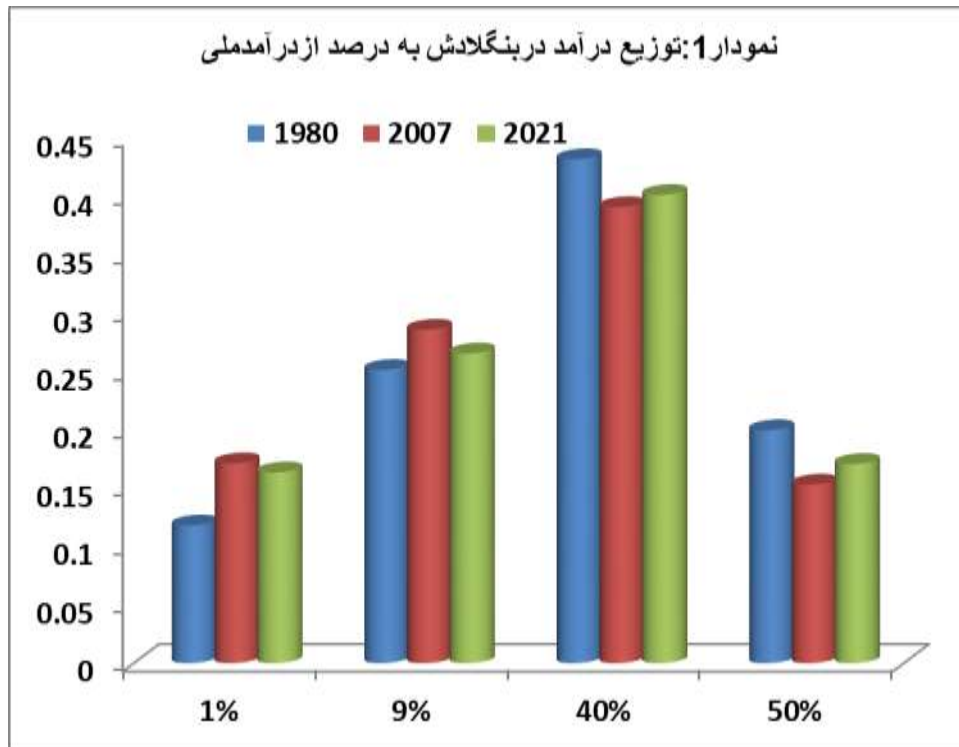
- با وجود رشد چشمگیر اقتصادی، توزیع درآمد در بنگلادش در چه راستائی متحول شده است؟ براساس آمارهای بانک جهانی خیرداریم که اقتصاد بنگلادش در ۲۰۲۱ در مقایسه با سال ۱۹۸۰ بیش از ۸ برابر بزرگتر شد. حتی اگر این دوره ۴۰ ساله را به دو دوره تقسیم کنیم مشاهده می کنیم که اقتصاد بنگلادش در ۲۰۰۷ در مقایسه با سال ۱۹۸۰ حدوداً ۲/۵ برابر رشد کرد و حتی در سالهای پس از بحران بزرگ مالی، که اغلب اقتصادهای جهانی میزان رشد ناامیدکننده ای را تجربه کرده بودند ولی در طول این ۱۴ سال هم اقتصاد بنگلادش حدوداً ۲/۵ برابر رشد کرد و بزرگتر شد. با توجه به این آمارهای مطلوب در پیوند با رشد اقتصادی، پرسش این است که توزیع این ارزش های اضافی تولید به چه صورتی انجام گرفت؟ در متن اشاره کردم که ادعا می شود که یکی از پی آمدهای رشد فوق العاده اقتصادی کاهش قابل توجه میزان فقر در این کشور است. سعی می کنم این ادعا را بایافته ای آماری این بررسی به محک بزنیم.

<sup>1</sup> [Economy of Bangladesh - Wikipedia](#)

<sup>2</sup> [Bangladesh - Agriculture, Industry, Trade | Britannica](#)

همانند دیگر یادداشتهایی که درباره توزیع درآمد در کشورهای مختلف تهیه کرده ایم، از بانکهای آماری قابل اعتمادی بهره گرفته ایم.

- آمار جمعیت و رشد اقتصادی بنگلادش را ازسایت بانک جهانی دانلود کرده ام.
- سهم بری درصدهای مختلف از درآمد هم از سایت « نابرابر جهانی» دانلود شد.



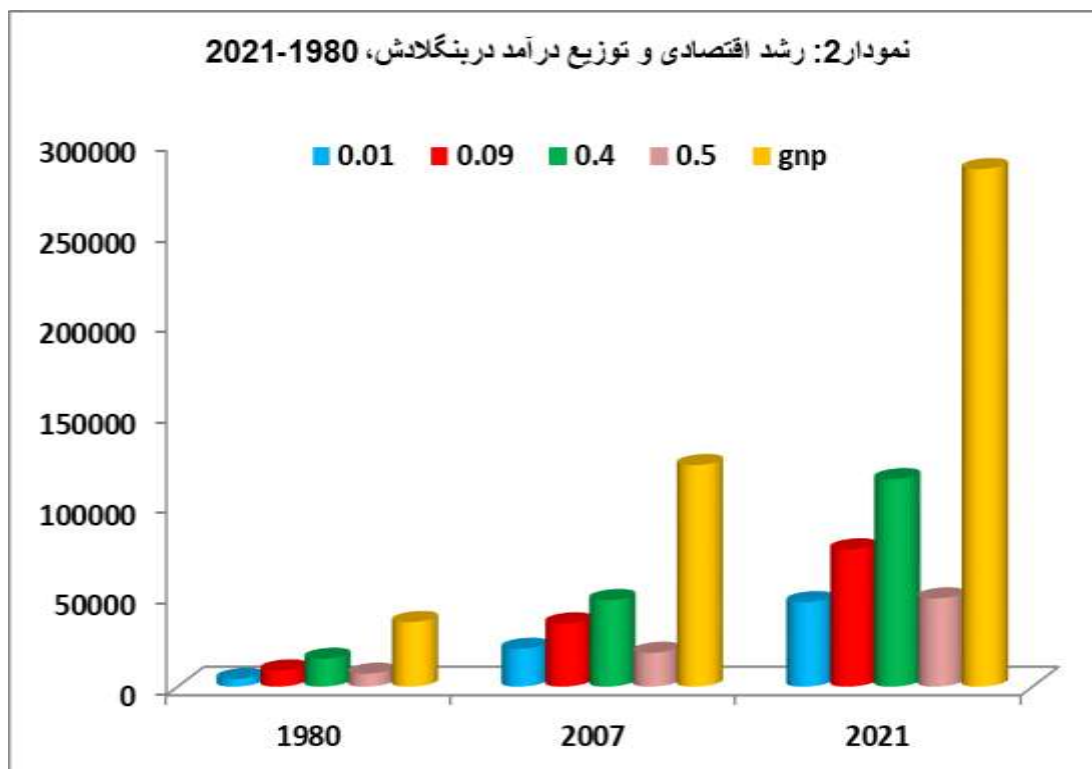
این نمودار، توزیع درآمد در بنگلادش در سه تاریخ مختلف را نشان می دهد که مقایسه شان خالی از لطف نیست. درباره اطلاعات ارایه شده در این نمودار باید به چند نکته توجه نمائیم.

- اگرچه ما روایت را تا سال ۱۹۷۱، یعنی سال کسب استقلال پی نگرفته ایم ولی در طول ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۱ سهم ۹۰ درصد جمعیت بنگلادش از درآمد ملی کاهش یافته است درحالی که یک درصدی ها و ۹ درصدی های بعدی درصد بیشتری از درآمد ملی را در ۲۰۲۱ به جیب می زنند. در سال ۱۹۸۰، ده درصدی ها ۳۷ درصد از درآمد ملی را در اختیار داشتند و سهم ۹۰ درصد بقیه جمعیت هم ۶۳ درصد بود. ولی در سال ۲۰۲۱ سهم ده درصدی ها به ۴۳ درصد از درآمد افزایش یافت و به همین نسبت سهم ۹۰ درصدی های ۶ درصد کمتر شد. البته در میان ۹۰ درصد، هم میزان کاهش در سهم بری از درآمد ملی بین ۵۰ درصدی های فقیر و ۴۰ درصدی های میانه هم تراز بود یعنی سهم این دو گروه هرکدام ۳ درصد از درآمد ملی کمتر شد.
- اگرچه در ۱۹۸۰ سهم بری ۵۰ درصدی های فقیر از درآمد ملی از سهم یک درصدی ها بیشتر بود، ولی سهم بری شان از درآمد ملی در ۲۰۲۱ تقریباً با یک دیگر برابر است. ناگفته روشن است که آن چه در ۲۰۲۱ شاهدیم این که میزان مشخصی از درآمد ملی بین یک درصدی ها و تقریباً همان میزان در میان ۵۰ درصدی های فقیر

توزیع می شود. در واقع تعجبی ندارد که در ۲۰۲۱ متوسط درآمد یک درصدی ها ۴۸ برابر متوسط درآمد ۵۰ درصدی های فقیر در این کشور است.

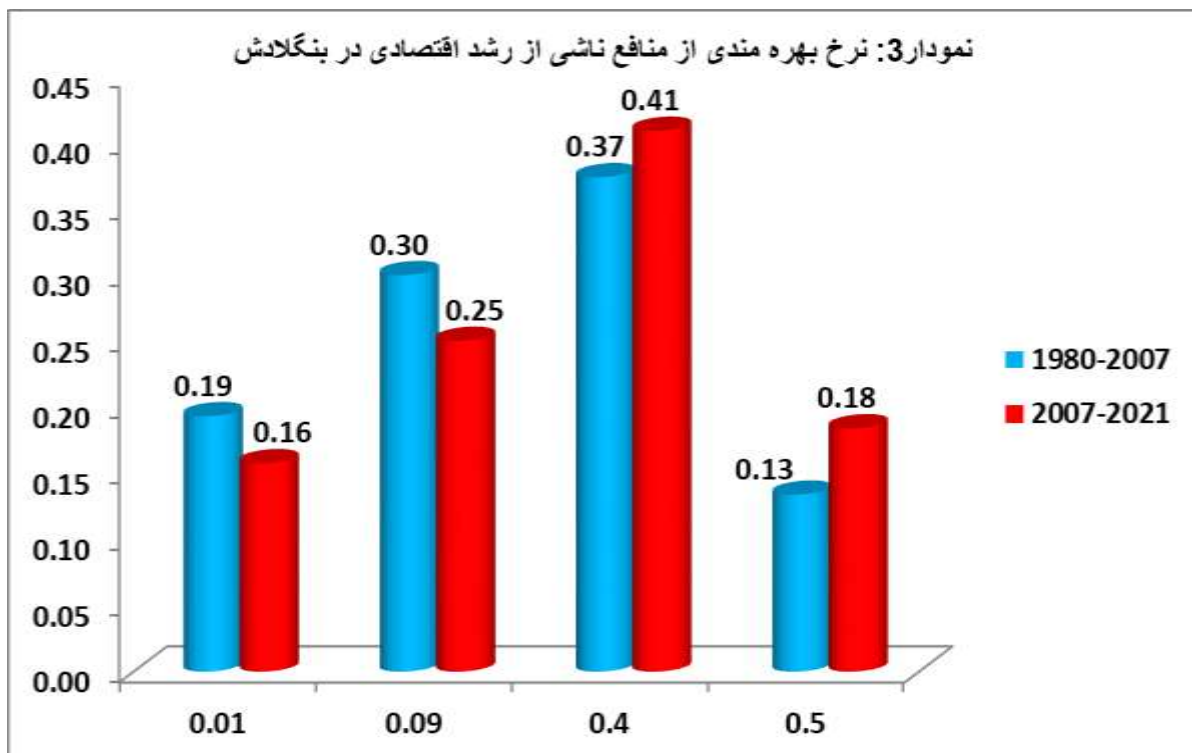
- در نمودار بعدی مشخص می کنیم که تولید ناخالص داخلی چگونه بین جمعیت بنگلادش تقسیم شد و میزان سهم بری شان را به میلیون دلار به دست می دهیم. از یک طرف، اطلاعات آمده در این نمودار به روشنی نشان می دهد که اندازه کیک ملی بسیار بزرگتر شده است- ستون زرد رنگ میزان تولید ناخالص داخلی را نشان می دهد- و سهم این گروه های درآمدی هم به فراخور حال تغییر کرده است .

اگر بر روی سال ۲۰۲۱ تمرکز بکنیم، ستون آبی رنگ نشان دهنده سهم یک درصدی ها از کل درآمد ملی در آن سال است که تقریباً با سهمی که ۵۰ درصدی های فقیر در همان سال داشته اند تقریباً برابر است. یا اگر به صورت دیگری بخواهم بر این نکته تاکید بکنم مشاهده می کنیم که ستون بنفش رنگ نشان می دهد که از کل درآمد ملی در آن سال سهم ۵۰ درصد از جمعیت بنگلادش به چه میزان بوده است. در ضمن مشاهده می کنیم که سهم ۵۰ درصد دوم جمعیت هم در واقع مجموع ستون آبی، قرمز و سبز رنگ در این نمودار ماست. به عبارت دیگر، اگر میزان ستون بنفش رنگ را از ستون زرد رنگ کسر کنیم آن چه باقی می ماند در واقع سهم ۵۰ درصد بالایی یا ثروتمند جامعه است.

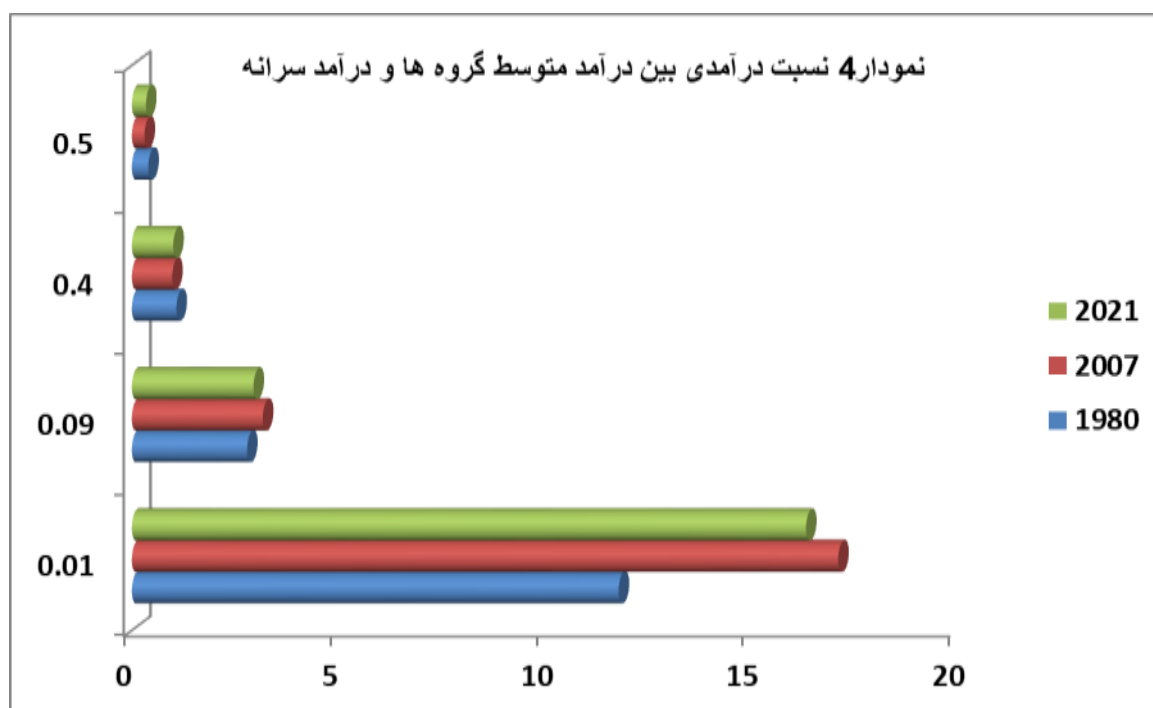


برای این که وجه دیگری از توزیع درآمد در بنگلادش را توضیح بدهیم ما برای دو دوره متفاوت از یک طرف، برآورد کرده ایم که پی آمد رشد اقتصادی و در واقع اضافه ارزش تولید شده به چه

میزان بود و این اضافه ارزش تولید شده در نتیجه رشد اقتصادی به چه صورتی بین گروه های مختلف تقسیم شده است. به سخن دیگر، چه میزان از این درآمد اضافی که تولید شد نصیب یک درصدی ها شد و به همین نحو چه میزان هم نصیب ۵۰ درصدی های فقیر شد. آن چه در نگاه اول به وضوح روشن می شود این که سهم بری ۵۰ درصدی های فقیر به نسبت از دیگر گروه های کمتر بود. این نمودار با همه سادگی به وضوح نشان می دهد که رشد اقتصادی در بنگلادش فراگیرنده نبوده و به عنوان مثال در طول ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۷ تنها ۱۳ درصد از درآمد اضافه ناشی از رشد اقتصادی نصیب ۵۰ درصدی های فقیر شد و طبیعتاً سهم ۵۰ درصدی های ثروتمند هم ۸۷٪ از درآمدهای اضافی بود. به همین نحو اگرچه در سالهای پس از بحران مالی بزرگ سال ۲۰۰۸ وضع اندکی بهبود یافت ولی در کل فرایند رشد به همان صورت پیشین غیر فراگیرنده باقی ماند و از درآمدهای اضافی ناشی از رشد اقتصادی سهم ۵۰ درصدی های فقیر به ۱۸ درصد افزایش یافت ولی سهم ۵۰ درصدی های ثروتمند کماکان بیش از ۸۰ درصد بود. من در این نمودار سهم بری ۵۰ درصدی های ثروتمند را به تفکیک آورده ام که در آن سهم یک درصدی ها و ۹ درصدی ها و ۴۰ درصدی های میانه از هم تفکیک شده است. یکی از پی آمد های سهم بری های متفاوت از درآمد ملی این است که نسبت متوسط درآمدها هم تغییر می کند. به عنوان مثال در بنگلادش در ۱۹۸۰ متوسط درآمد یک درصدی ها حدوداً ۲۰ برابر متوسط درآمد ۵۰ درصدی های فقیر بود ولی این نسبت در ۲۰۲۱ به خاطر آن چه که من سهم بری نابرابر نامیده ام به ۴۸ برابر افزایش یافت. البته اشاره کنم که بیشترین میزان نابرابری در ۲۰۰۷ وجود داشت که این نسبت ۵۶ برابر شده بود ولی وقتی به ۲۰۲۱ می رسیدیم این نسبت اندکی کاهش می یابد.

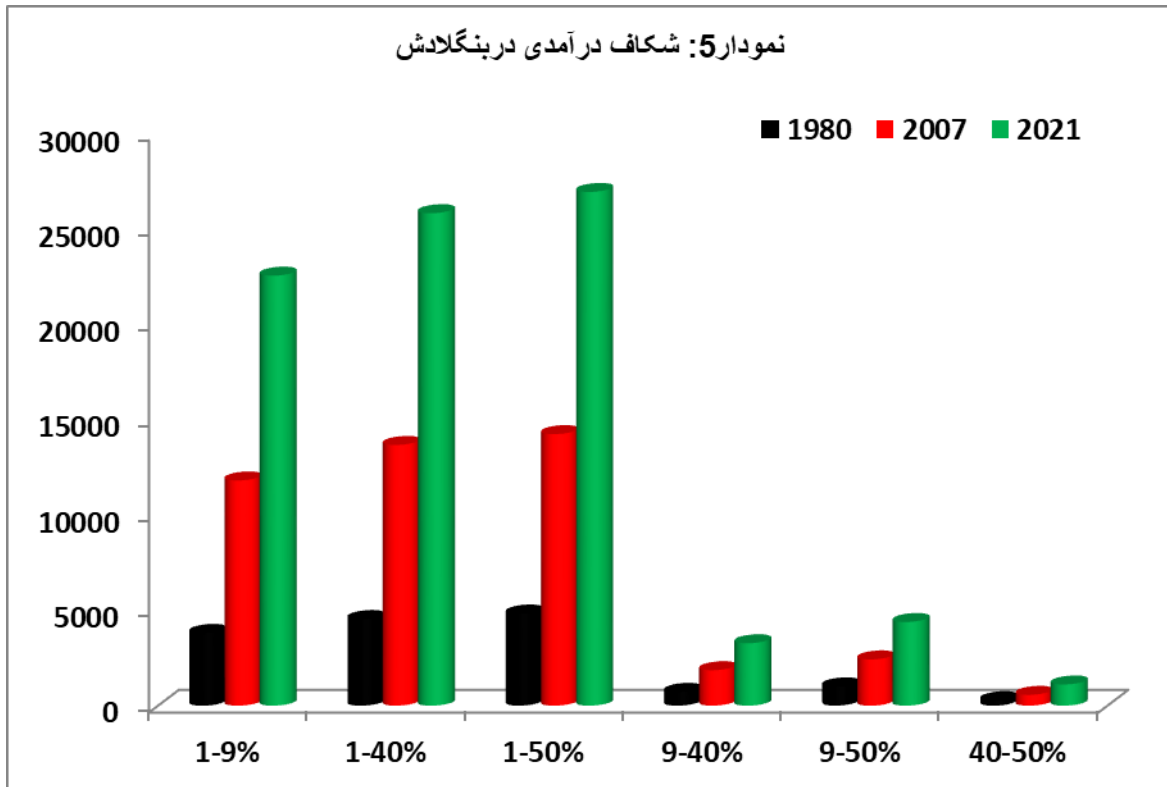


برای این سه سالی که برای بررسی بیشتر انتخاب کرده ایم هم می دانیم که درآمد سرانه بنگلادش در این سالها به چه میزان بود و هم این که خبرداریم که متوسط درآمد گروه های درآمدی به چه میزان بوده است. وجه دیگری از نابرابری روزافزون دریافته هائی که در این نمودار نشان می دهیم قابل رویت است. در ۱۹۸۰ متوسط درآمد یک درصدی ها ۱۲ برابر درآمد سرانه بود و هم چنین خبرداریم که متوسط درآمد ۹ درصدی ها هم ۳ برابر درآمد سرانه بود. وضع ۹۰ درصد باقی مانده جمعیت به این صورت قابل تفکیک است که متوسط درآمد ۴۰ درصدی های میانه تقریبا معادل درآمد سرانه و متوسط درآمد ۵۰ درصدی های فقیرهم اندکی کمتر از ۴۰ درصد درآمد سرانه در آن سال بود. اگر توجه داشته باشیم که میزان درآمد سرانه در بنگلادش چندان زیاد نیست در آن صورت، درآمدی معادل یک سوم آن چه که زیاد نیست نشان دهنده وجود فقر گسترده ای است که وجود دارد. برای بیش از ۴۰ سال اقتصاد کشور از رشد قابل توجهی برخوردار می شود، یعنی به وضوح روشن است که اندازه این « یک ملی» بسیار بزرگتر شده است ولی مشاهده می کنیم متوسط درآمد یک درصدی ها که در سال ۱۹۸۰ تنها ۱۲ برابر درآمد سرانه بود در ۲۰۲۱ به بیش از ۱۶ برابر افزایش می یابد البته متوسط درآمد ۹ درصدی ها هم چنان ۳ برابر درآمد سرانه است و متوسط درآمد سرانه ۴۰ درصدی های میانه هم در همان سطح درآمد سرانه باقی می ماند و اما متوسط درآمد ۵۰ درصدی های فقیر در این سال اندکی بیش از ۳۰٪ درآمد سرانه کشور است.



آخرین نموداری که می خواهیم ارایه بدهم در واقع نشان دهنده بیشتر شدن شکاف درآمدی بین گروه های مختلف در بنگلادش است. یعنی اگرچه وضعیت ویژه یک درصدی در بنگلادش همانند دیگر کشورهای سرمایه داری مقوله ای حساس و قابل بررسی است ولی روا نیست

که مشکل موجود تنها به بهره مندی خارق العاده یک درصدی ها محدود شود. من درمشاهدات خود مشاهده کرده ایم که شکاف درآمدی در بنگلادش بین همه گروه ها در این ۴۰ سال گذشته، به شدت افزایش یافته است.



در این نمودار ۶ شکاف درآمدی در این ۴۰ سال را نشان داده ایم.

۱-۹٪ شکاف بین متوسط درآمد یک درصدی ها و ۹ درصدی ها

۱-۴۰٪ شکاف بین متوسط درآمد یک درصدی ها و ۴۰ درصدی های میانه

۱-۵۰٪ شکاف بین متوسط درآمد یک درصدی ها و ۵۰ درصدی های فقیر

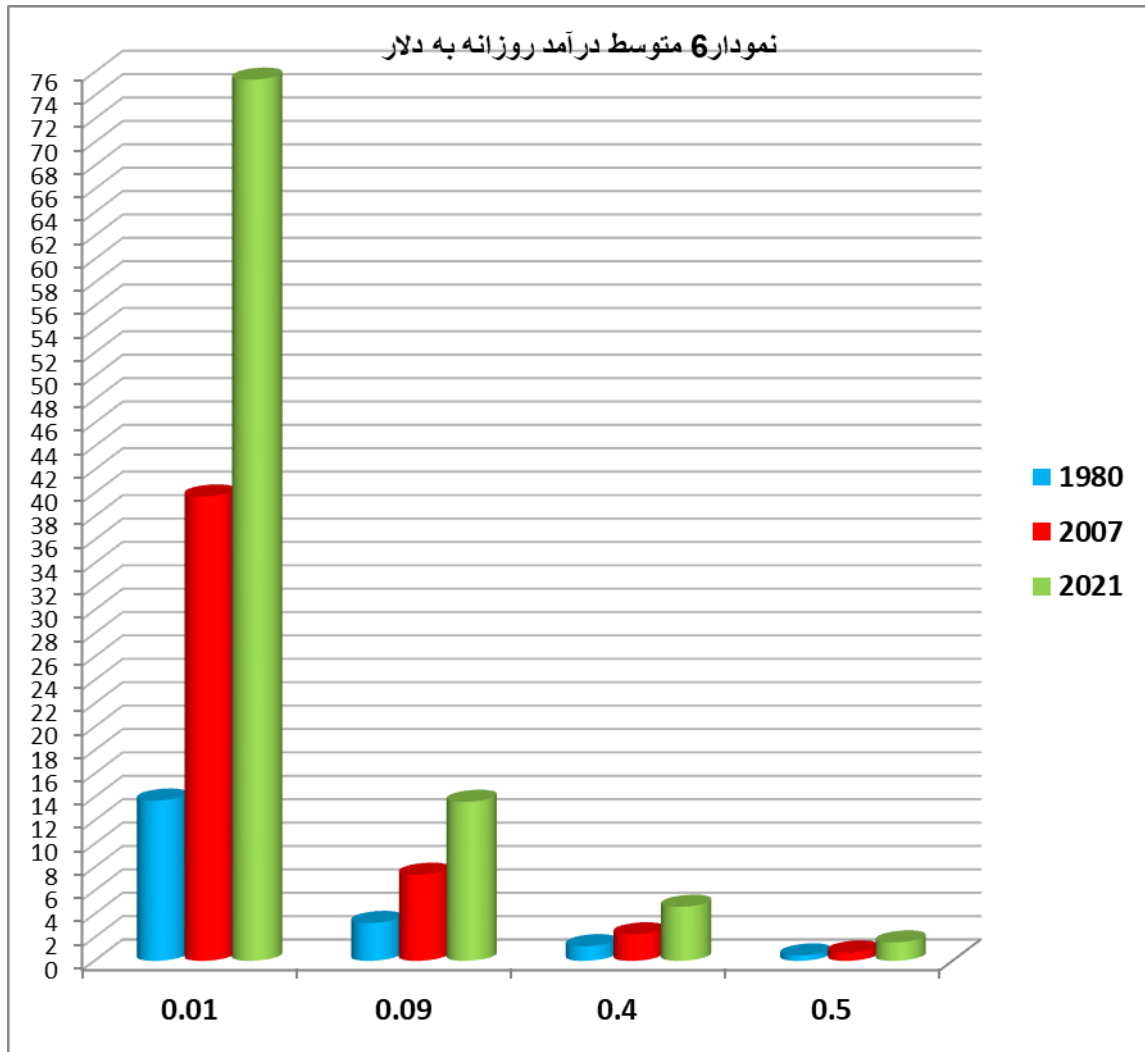
۹-۴۰٪ شکاف بین متوسط درآمد ۹ درصدی ها و ۴۰ درصدی های میانه

۹-۵۰٪ شکاف بین متوسط درآمد ۹ درصدی ها و ۵۰ درصدی های فقیر

۴۰-۵۰٪ شکاف بین متوسط درآمد ۴۰ درصدی های میانه و ۵۰ درصدی های فقیر

دزهر ۶ مورد روند رو به رشد شکاف درآمدی قابل رویت است آن چه تفاوت دارد در واقع میزان این شکاف درآمدی است. به عنوان مثال شکاف موجود در متوسط درآمد یک درصدی ها در مقایسه با متوسط درآمد ۹ درصدی ها در سال ۱۹۸۰ اندکی بیشتر از ۲۸۰۰ دلار بود ولی میزان این شکاف در ۲۰۲۱ به بیش از ۲۲۵۰۰ دلار افزایش یافت ولی شکاف درآمدی بین

متوسط درآمد ۴۰ درصدی های میانه و ۵۰ درصدی های فقیر در ۱۳۸۰ اندکی کمتر از ۳۰۰ دلار بود ولی این شکاف در ۲۰۲۱ به بیش از ۱۱۱۰ دلار افزایش یافت. همان گونه که گفته شد، همین وضعیت در پیوند با دیگر شکاف های درآمدی وجود دارد.



آن چه در این نمودار جالب است این که وقتی به مقوله توزیع درآمد در اقتصاد کم توجهی می شود حتی رشد اقتصادی بالا هم نمی تواند از میزان فقر موجود در جامعه بکاهد. اگر تعریف بانک جهانی از خط فقر بین المللی را بپذیریم، برای چندین سال متوالی خط فقر بین المللی ۱,۹۰ دلار بود و تازگی ها بانک جهانی آن را به ۲,۱۵ دلار افزایش داد. براساس این تعریف از خط فقر در ۲۰۰۷، از جمعیت ۱۴۴ میلیونی بنگلادش در آن سال، حدوداً ۱۳۰ میلیون نفر زیر خط فقر بوده اند و اگر برای سال ۲۰۲۱ این تعریف تازه بانک جهانی را مد نظر قرار بدهیم، هنوز اندکی کمتر از ۷۰ میلیون نفر، یعنی ۵۰ درصدی های فقیر زیر خط فقر بین المللی زندگی می کنند چون با همه تغییراتی که اتفاق افتاده است متوسط درآمد روزانه این گروه اگرچه به نسبت متوسط درآمد روزانه شان در سال ۲۰۰۷ بیش از دو برابر شده است ولی هم چنان از ۱,۶ دلار در روز کمتر است. ۵۰ درصدی های ثروتمند جامعه از متوسط درآمد روزانه ای که از خط فقر بین المللی به مراتب بیشتر است بهره مند می شوند و می



توان ادعا کرد که رشد اقتصادی قابل توجه بنگلادش در این سالها، اگرچه فقر را ریشه کن نکرده است ولی آن را کاهش داده است.